

در یک نگاه!

محصول دمکراسی

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

قتل فجیح دبیر فرانسوی توسط تروریسم اسلامی محکوم است

صفحه ۴

سعید آرمان

جار و جنجال لغو تحریم تسلیحاتی

صفحه ۵

وریا روشنفکر

قتل ساموئل پتی، اسلام "عقلانی" اصلاح طلبان

صفحه ۶

سیاوش دانشور

دولت را موظف کنیم!



"امام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

۵۶۶

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲ آبان ۱۳۹۹ - ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰

در آستانه سالروز

خیزش آبان

جامعه ایران درگیر نبردی سهمگین و نابرابر در منگنه دو ویروس است. اول پاندمی کرونا که بدلیل سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی، موج جدید آن رکورد زده و کل کشور را زمینگیر کرده است. سی استان در وضعیت قرمز قرار دارند و جاهائی مانند تهران به سمت وضعیت "خارج از کنترل" میروند. کرونا متأسفانه کرور کرور قربانی میگیرد و هزینه نجومی دارو و بیمارستان حتی امکان مراجعه به دکتر را برای تعداد زیادی غیر ممکن کرده است. دوم، ویروس حکومت اسلامی بعنوان عصاره ارتجاع سرمایه و استبداد که در باتلاق بحران اقتصادی دست و پا میزند، راهی برای خروج از بن بست های خردکننده ندارد و اکنون به مرحله نفت در مقابل غذا رسیده است. اینروزها مرتباً خبر از کمبود نان و آرد، کمبود گاز و مایحتاج اولیه مردم است. این کمبود چه غیر واقعی و ناشی از احتکار باشد و چه واقعی و ناشی از ناتوانی حکومت در تامین حداقل ها؛ در هر حالت گرانی سرسام آور و بالا رفتن ساعتی قیمت کالاها، نفس بخش مهمی از جامعه از جمله مردم کارگر و زحمتکش را بریده است. تصور اشتباهی است که وخامت بحران اقتصادی با همین آهنگ جلو میروند و در هر مرحله به تعادل میرسد و جامعه به آن "عادت" می کند.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در آستانه سالروز خیزش آبان ...

این یک غیر ممکن است. همه پذیرفته اند که چشم انداز نزدیک پیش روی حکومت اسلامی یک تلاشی و اضمحلال تمام عیار اقتصادی است.

در آستانه سالروز خیزش انقلابی آبانماه نود و هشت هنوز آمار دقیقی از جانباختگان این خیزش، از تعداد و اسامی بازداشت شدگان و اسرا در دست نیست و هنوز زندانیانی تحت حکم اعدام قرار دارند. جامعه فعلاً در برزخ محدودیتهای پاندمی کرونا اسیر است اما دینامیزم جنبش آبان و اعتراض کارگری قویاً زنده است. تلاشهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی، قرق نظامی محلات، احضارها و پرونده سازی ها، هنوز نتوانسته بر وحشت حکومت از تکرار آبان فائق آید. کرونا تاکنون تلفات سهمگینی از مردم محروم گرفته و بر عمل اعتراضی و اعتصابی محدودیت فراوان اعمال کرده است، اما برای جمهوری اسلامی فرصتی برای تنفس و تجدید قوا و برای سرمایه داران انگل امکانی برای مال اندوزی بیشتر بوده است. به جرات می توان گفت جمهوری اسلامی تنها حکومت در جهان است که دهها میلیون نفر را بدون کمترین حمایت معیشتی و بهداشتی و درمانی در جنگل بازار و بیزنس دارویی و پزشکی به حال خود رها کرده است. در ایران یک کشتار جمعی، یک نسل کشی، یک هولوکاست با بهانه پاندمی کرونا توسط جمهوری اسلامی در جریان است. علیرغم محدودیتهای و نظر به اینکه بخش اعظم جامعه هیچ راهی برای تامین مایحتاج روزانه خود ندارند، ناچارند در وضعیت قرمز پاندمی کرونا کار کنند و برای پیگیری خواستهایشان اعتصاب و اجتماع کنند. در همین هفته در صنایع نفت و گاز، در پالایشگاههای عسلویه، در پالایشگاه لامرد، در هفت تپه، در شهرداریهای چند استان و مراکز مختلفی شاهد اعتراض و اعتصاب بودیم. خواستهایی که از جمله بر نفی چهارچوبهای موسوم به خصوصی سازی و قراردادهای موقت کار و تامین شرایط ایمن تر اقتصادی و شغلی و یا نقد کردن حقوقهای معوق تاکید دارد. بعبارت دیگر وضعیت عمومی جامعه و اقتصاد و سیاست، نفس زندگی و بقای جامعه، نمی تواند کم کم سقوط کند و هر بار در تعادل جدیدی عادی شود. امروز بر همه روشن است که این وضعیت قابل ادامه نیست و تغییر ضروری شده است.

اگر قبول کنیم که وضعیت کنونی قابل ادامه نیست، آنوقت تلاش در بالا و پائین برای تغییر به سوال روز جامعه بدل میشود. جمهوری اسلامی برای بقای خود با استفاده از شکافها و رقابت قدرتهای جهانی، تکیه بر تروریسم و باجگیری، تشدید فقر و دامن زدن به استیصال مردم، تلاش میکند هرچند موقت راه برون رفتی بیابد. کشمکش اینروزهای دو جناح برسر ضرورت مذاکره با آمریکا و امید بستن به نتیجه انتخابات آمریکا، دخالت خامنه ای و سر جای خود نشان دادن "ترسوها"، نشان میدهد که خود حکومتی ها هم امیدی به ادامه وضعیت در شکل کنونی ندارند. جمهوری اسلامی تلاش دارد جامعه را در منگنه فقر و فلاکت، بیماری، بیکاری، پانیک کمبود و گرانی به

استیصال بکشاند تا به کم رضایت دهد. مشخصه کنونی جامعه ایران اما عنصر استیصال نیست، بلکه امید برای تغییر و عبور از جمهوری اسلامی است. خط تحمیل استیصال در برزخ کنونی تنها سیاست جمهوری اسلامی نیست بلکه اپوزیسیون راست نیز همین سیاست را دنبال می کند. پائین آوردن توقعات مردم، تحمیل یک تغییر در بالا، سرهم

کردن یک دولت انتقالی متشکل از بخشهایی از حکومت و حاشیه حکومت و اپوزیسیون بورژوائی، یک تلاش در جریان برای عبور از بحران است. تلاشهای اپوزیسیون راست با عنوان "مدیریت دوره گذار" و "گذار از جمهوری اسلامی" گوشه ای از این سیاست است. اخباری از دعوت به جلسه با عناصر و نمایندگان جریانات اپوزیسیون راست ایران در آمریکا پخش شده است. امروز این تلاشها هدفش اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای مذاکره و توافق در منطقه است اما با تشدید بیشتر بحران میتواند به پروژه ای مورد حمایت علنی آمریکا و دولتهای غربی بدل شود.

مسیر دیگر و تنها راه واقعی ادامه خیزش آبان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. پاسخ به سیاست تحمیل استیصال، برافراشتن پرچم امید به امکانپذیری یک آینده بهتر است. پاسخ ایجاد زمینه برای عروج نیروهای ضد جامعه و دست راستی برای بازسازی و تداوم وضع موجود، تغییر رادیکال و ریشه ای نظم کنونی است. پاسخ شورشهای کور علیه گرانی و فقر، تامین پرچم سیاسی و مبارزاتی کارگری برای هدف قرار دادن مسببین و بانیان فقر و فلاکت و استثمار و استبداد است. پاسخ آلترناتیو سازی دست راستی، عروج کارگر و کمونیسم با پرچم رهائی همه جانبه سوسیالیستی جامعه است.

خیزشهای دیمه نود و شش و آبان نود و هشت، جنبشی علیه فقر و گرسنگی و حکومت اسلامی بعنوان مسبب و بانی این مشقات بود. یکسال بعد از خیزش آبانماه این شرایط بمراتب وخیم تر شده و پاندمی کرونا و پیامدهای اقتصادی آن اوضاع را بحرانی تر از هر زمانی کرده است. مردم نان میخواهند، مسکن میخواهند، آموزش میخواهند، درمان میخواهند، حرمت و امنیت میخواهند. حکومت فقر تحمیل میکند، گرسنگی را تشدید میکند، شلیک میکند، بی حرمتی و بیحقوقی را تجویز میکند، خیابان خوابی و بردگی و کلیه روشی را موعظه میکند. این جدال ادامه دارد. جمهوری اسلامی با سیاست گرانی نان و تحمیل فقر شدید به اکثریت جامعه به جنگ آخر آمده است، در این جنگ میتواند و باید زمین بخورد و تومارش برچیده شود.

چه باید کرد!

سوال کلیدی و عمومی جامعه مواجهه با فقر و شرایط وخیم کنونی و پس زدن اختناق اسلامی است. جنبش طبقه کارگر تنها جنبش پر سر و صدا با تحرک اعتصابی و مبارزاتی قابل توجه در صحنه سیاست ایران است. ما در مقابل سیاست تحمیل استیصال به جامعه و امتیزه کردن آحاد طبقه کارگر و ایجاد رقابت کاذب بین مردم کارگر و زحمتکش، سیاست همبستگی انسانی و همسرنوشتی طبقاتی را قرار میدهم. ما در مقابل جست و خیز ارتجاعی اپوزیسیون بورژوائی، آلترناتیو

در آستانه سالروز خیزش آبان ...

کارگری و سوسیالیستی را طرح میکنیم. ما در مقابل دست بدست شدن قدرت دولتی، پرچم برپائی و اعمال قدرت شوراها را می گذاریم؛ نه خدا، نه شاه، نه پارلمان، تمام قدرت بدست شوراها! ما در مقابل سیاست میلپتاریزه کردن محلات برای سرکوب و ممانعت از خیزش توده ای، سیاست آزادی محلات از عناصر جمهوری اسلامی، سازماندهی مقابله با نیروهای گشت حکومتی در محلات، تنگ کردن فضا بر آنان و گوشمالی سرکوبگران را می گذاریم. ما برای اجتناب از نتایج شورش کور و تبدیل پتانسیل اعتراضی جاری به یک جنبش خودآگاه، برافراشتن پرچمی کارگری علیه فقر و فلاکت و دست بردن به ابتکارات کارگری و توده ای را طرح میکنیم.

بیکاری گسترده بعد از پاندمی. یک مسئله اساسی دیگر بیکاری است کرونا و بیکارسازی وسیع تر آنچه که نیروی مازاد در صنایع کلیدی صنایع نفت و گاز، ماشین سازی ها و قطعه. نام گرفته در راهست. سازبها بدلیل بحران آماده بیکارسازی نیروی مازاد هستنددر مقابل بیکارسازی و تعطیلی کارخانه و اخراج باید سد محکمی بست. بیکاران بخشی از طبقه کارگر هستند که با هزینه بخش شاغل زندگی میکنند اما بورژوازی از بیکاری گسترده در خدمت تفرقه و گسترش رقابت در صفوف طبقه کارگر، پائین نگهداشتن دستمزدها و کاهش کل هزینه بازتولید طبقه کارگر بهره میجوید. بیکاری امر "بیکاران" نیست، امر طبقه کارگر است و امروز بیش از هر زمان "اتحاد کار علیه بیکاری" و تشکیل سازمانهای محلی و منطقه ای از جمله شورای بیکاران ضروری است.

تجارب دوره اخیر اعتصابات و تاکتیکهای اعمال شده، بر ضرورت بدست گرفتن قویتر و نقشه مندتر اهرم اعتصاب و اعتراض در مراکز کارگری تاکید میکند. بخش پیشرو طبقه کارگر در مراکز مهم صنعتی میتواند گلوی رژیم اسلامی را بگیرد و بعنوان سخنگو و نماینده تامين معیشت و سلامت برای کل جامعه قد علم کند. همبستگی طبقاتی در ایندوره یک سلاح مهم در تقابل با سیاستهای ناسیونالیستی و تفرقه گرایانه است. اکثریت عظیمی فقر و فلاکت نمیخواهند، گرسنگی و اختناق نمیخواهند، حکومت اسلامی نمیخواهند. معیشت مناسب، بهداشت و درمان و سلامتی، مسکن و رفاه، حق همگانی است. همه باید بتوانند زندگی کنند، هیچ دولتی حق ندارد نان و زندگی مردم را گرو بگیرد.

در آستانه سالروز خیزش آبان نود و هشت، یاد جانباختگان این نبردهای قهرمانانه را گرامی بداریم. برای آزادی اسرایمان در زندانها تلاش کنیم. کرونا میرود اما نبرد برسر زندگی و آینده می ماند و مانند رود جاری زندگی ادامه دارد. در سالروز خیزش انقلابی آبان، نیرویمان را متشکل و متحد کنیم و برای پاسخ به وضعیت ناپایدار کنونی و نبردهای جدید آماده شویم. یاد عزیزان جانباخته آبانماه گرامی است!

سر دبیر.

۲۳ اکتبر ۲۰۲۰

در یک نگاه!

محصول دمکراسی



رحمان حسین زاده

سیرک "انتخابات" در آمریکا به روزهای پایانی رسیده است. نوبت آخر مناظره دو مهره کاندیدا از دو حزب به تناوب و دائما در قدرت هیات حاکمه بورژوا امپریالیستی برگزار شد. ترامپ و بایدن همانند هیتلر و موسولینی، تاجر و ریگان و بوش پدر و پسر و بلر و کلینتون و اوباما محصول طبیعی دمکراسی اند. دمکراسی و اشکال مختلف آن، هیچگاه اراده مردم را منعکس نکرده و نمیکند. چهار سال یکبار با مهندسی افکار عمومی، احزاب اصلی ترندهای اجتماعی بورژوازی نیروی مردم را در میان انواع پیچ و خم اداری و قانونی و فیلترهای مالی و سیاسی به پای صندوق رای میکشند، رای آنها را میگیرند و تا چهار سال بعد به رای دهندگان مستقیم خود جوابگو هم نیستند. دمکراسی و اشکال مختلف انتخابات آن سوپاپ اطمینان بورژوازی در مسیر جابجایی قدرت میان جناحهای مختلف آن است.

مورد برجسته آن آمریکا بیش از یک قرن است جابجایی قدرت در صحنه سیاسی آمریکا بین دو حزب جمهوریخواه و دمکرات دست به دست میشود و هیچ نیروی دیگری از همان خانواده بورژوازی مجال به دست گرفتن قدرت را نداشته تا چه برسد به طبقه کارگر و مردم و آزادیخواهان و کمونیستها و جریانات مستقیما متکی به اراده مردم. همین مورد اخیر نزدیک به دو سال است، هیئت حاکمه و این دو حزب با اتکا به مادیای نوکر و انواع اهرمهای سیاسی، مالی و قانونی مردم را در مسیری قرار دادند که نهایتا در میان دو کاندید، دو چهره منفور به یکی رای بدهند. همواره درصد بالایی از مردم و نسل جوان متفرد از نظم و بساط موجود، از آنجا که احساس میکنند، اراده آنها پایمال میشود به این اجبار تن نداده اند. مواردی از سر ناچاری و در غیاب آلترناتیو رادیکال متعهد به منافع کارگر و مردم محروم، مجبور بوده اند، به چهره هایی چون سنדרز در آمریکا و کوربین در بریتانیا توجه داشته باشند، اما سرعت این واقعیت به متوهمین و مصلحت گرایان نشان داده، اتکا به جناح چپ بورژوازی سرابی بیش نیست.

در آمریکا و هر جای جهان این سیستم و اساس نظام بورژوایی متکی به آن باید برود. در مقابل این سیستم و بی اراده کردن مردم، باید نیروی اراده سازمانیافته طبقه کارگر و مردم حق طلب در آمریکا و هر جای جهان را به میدان کشید. پایان دادن به حاکمیت بورژوازی و سازماندهی انقلاب سوسیالیستی راه حل قطعی رهایی انسان و تحقق رای و اراده آزادانه مردم است. این آن نبرد و مصاف اساسی است که کمونیستها و حزب کمونیستی باید پرچمدار آن در راس طبقه کارگر متحد و متشکل در آمریکا و هر جای دیگر برای تحقق آن آستینها را بالا زنند.

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهید!



رهبر حزب فاشیستی "همایش ملی" فرانسه که در انتخاباتهای متعدد سرشان به سنگ خورده، قصد ماهی گرفتن از آب گل آلود داشت. وی خارجی ستیزی اش را با گفتن؛ "اسلام گرانی به جنگ علیه ما برخاسته است، باید با بکارگرفتن قدرت آن را از کشور خود برانیم" بیان کرد و به رخ جامعه‌ای کشید که علیرغم تنفر و انزجارشان از تروریسم اسلامی، روی چندان خوشی به سیاستهای نژادپرستانه وی نشان ندادند.

فاجعه اخیر در فرانسه یکبار دیگر چهره کریه و ضد انسانی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را بعنوان رکن اساسی این جنبش بنمایش گذاشت. اسلام سیاسی با روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران وسعت گرفت و جریانات متعدد این جنبش تروریستی طی چهار دهه اخیر مورد حمایت مالی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی قرار گرفته است و یا راسا توسط حکومت سازمان داده شدند. اکنون در قرن بیست و یکم شاهد گسترش تروریسم سیاسی با شاخه‌های به مراتب وسیع تر و وحشی تری هستیم که به اختصار میتوان از رژیم اسلامی ایران، طالبان، داعش، بوکو حرام، حزب الله لبنان، اخوان المسلمین، الشبাব، القاعده و غیره نام برد. این جریانات بدون تردید میتوانند هرازگاهی با عملیتهای تروریستی جامعه را متوجه خود کنند، موقتا وحشت ایجاد کنند و قربانی بگیرند، اما نمیتوانند جامعه را وادار به تمکین وادار کنند. بویژه در جوامعی که بلطف مبارزات نسلهای طبقه کارگر، حقوق و آزادیهای فردی از جمله آزادی بیان مورد حمایت قرار می گیرد. یک دفاع واقعی از آزادی بیان هیچ "مقدساتی" را برسمیت نمی شناسد.

تعرض و تحریک جریانات اسلامی را باید با یک سیاست پیشرو جواب داد. دفاع از سکولاریسم و برابری و رفع تبعیض اساس این سیاست است. طبقه کارگر و جریانات چپ و پیشرو در این جوامع باید به یک صفتبندی علیه سیاست دولتها در ممانشات با جریانات اسلامی، علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، علیه تروریسم دولتی و نژادپرستی، در دفاع از جامعه سکولار و حقوق برابر شهروندی، در دفاع از آزادی بیقید و شرط بیان، برای برابری و رفع تبعیض بمیدان بیایند.

پنجشنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۲۰ - اول آبان ۱۳۹۹

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا

کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

قتل فجیع دبیر فرانسوی توسط تروریسم اسلامی محکوم است

سعید آرمان

فرانسه یکبار دیگر آماج حمله تروریسم اسلامی شد. روز جمعه گذشته ۱۶ اکتبر ساموئل پتی (Samuel Paty) دبیر ۴۷ ساله تاریخ و جغرافیای دبیرستان "بوا دولن" در شهر "گنفلان-سنت-اونورین" در سی کیلومتری پاریس، توسط تروریست اسلامی چینی بنام عبدالله آنزوروف متولد مسکو که ۱۸ سال داشت با قمه به روش اسلامی نفرت انگیز جدا کردن سر از بدن و با فریاد الله اکبر در ساعت ۵ غروب به وقت محلی به قتل رسید. این عمل وحشیانه تروریستی یکبار دیگر لجام گسیختگی جریانات اسلامی را در عدم تحمل هرگونه نقدی به دین و پیامبرشان و آنچه آنان "مقدس" می نامند، بنمایش گذاشت و جامعه فرانسه و کل اروپا را یکبار دیگر در بهت فرو برد.

دبیری که براساس وظیفه آموزگاری دانش آموزانش را در محیط آموزشی با یکی از مهمترین معیارهای جهان امروز یعنی آزادی بیان آشنا کرده است. آزادی بیانی که پنج سال قبل به وحشیانهترین شیوه مورد تهاجم مسلحانه اسلامیها قرار گرفت. حمله به دفتر مجله شارلی ابدو تنها به خاطر انتشار کاریکاتور محمد پیامبر مسلمانان، به کشته شدن ۱۲ تن از نویسندگان و کاریکاتوریستهای مجله توسط تروریستهای اسلامی منجر شد. این عمل وحشیانه در سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاد و جهان را متوجه خود ساخت. ساموئل پتی چندی پیش کاریکاتور را در کلاس درس به محصلینش نشان داده بود و مورد تهدید قرار گرفته بود. او قبل از تدریس این موضوع به دانش آموزان گفته بود که هر کس مایل نیست میتواند در حین تدریس این موضوع کلاس درس را ترک کنند. آقای پتی تهدید شده بود و تحت حمله یک کمپین نفرت اینترنتی قرار گرفته بود.

عبدالله آنزوروف در اجرای این عمل جنایتکارانه تنها نبوده و شواهد تاکنونی اعلام شده از عملی سازمانیافته با مسئولیت یکی از مراکز اسلامی بنام "شیخ یاسین" خیر میدهند. دولت فرانسه این مرکز را منحل کرد و یکی از مساجد فرانسه را بدلیل "رفتار تحریک آمیز" بمدت شش ماه بست. تعدادی هم دستگیر شدند که ۱۶ نفر از آنان به اتهام "سازماندهی، همدستی و محرک اصلی قاتل"، مورد بازجویی قرار گرفتند.

قتل فجیع ساموئل پتی با واکنش وسیع افکار عمومی جامعه فرانسه در دفاع از آزادی بیان روبرو شد. روز یکشنبه ۱۸ اکتبر تنها دو روز بعد از این واقعه هولناک قریب به چهار میلیون نفر در شهرهای عمده فرانسه به خیابانها آمدند و به خشونت و تروریسم اسلامی "نه" بزرگی گفتند. در این میان این نه بزرگ، سخنان نژادپرستانه "مارین لوپن"

اعدام قتل عمد دولتی است!

جار و جنجال لغو تحریم تسلیحاتی

وریا روشنفکر

در روز یکشنبه ۱۸ اکتبر تحریمهای تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی برداشته شد. لغو تحریمهای تسلیحاتی براساس برجام، توافقی که پنج سال پیش بین جمهوری اسلامی و پنج قدرت جهانی انجام گرفت، صورت پذیرفت. وزارت خارجه جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای در روز ۱۸ اکتبر عنوان نمود از امروز ممنوعیت خرید و فروش تسلیحات و اقدامات مالی مرتبط با آن به پایان رسیده، همچنین ممنوعیت سفر برخی از مقامات نظامی جمهوری اسلامی به کشورهای عضو سازمان ملل لغو گردیده است.

در طی یکسال گذشته چگونگی برداشته شدن این تحریمها موضوع مناقشه و جنگ لفظی میان دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی بوده است. دولت آمریکا تلاش کرد با فعال سازی مکانیسم ماشه در چهارچوب برجام و همچنین اعمال تحریمهای مالی شدید، از لغو این تحریمها جلوگیری کند. اما روز یکشنبه روحانی لغو این تحریمها را "یک پیروزی" برای جمهوری اسلامی و در راستای موفقیت برجام خواند.

آنچه در بالا ذکر شد در واقع گوشه ای از ادامه کشمکش میان دولت‌های جمهوری اسلامی و آمریکا است. اهدافی که از هر دو سو تعقیب میشود، نه ربطی به مردم دارد، نه برسر این جنگ و دعوا از آنها سوال شده است. در هیچ جای این منازعات که مبتنی بر حفظ منافع طبقات حاکمه است، طبیعتاً به مردم توجهی نشده است. آنچه مسلم است در کشمکش و رقابت کشورهای فروشنده سلاح، بازار هدف و سود تنها توجیه و خواستگاه است و در این رقابت برسر بازارها حقوق انسان هیچ تعریف و جایگاهی ندارد. با نگاهی به منطقه خاورمیانه و قفقاز بعنوان کانونهای بحران در منطقه درحال حاضر، مشاهد میشود که هر حوزه متشکل از چند جغرافیای سیاسی در واقع بازار هدف یکی از کشورهای تولید کننده اسلحه می باشند. منطقه قفقاز بازار روسیه و اسرائیل، کشورهای حوزه خلیج فارس بازار آمریکا و در درجه دوم چند کشور اروپایی، افغانستان و ترکیه و عراق هم خریدار اسلحه از آمریکا و روسیه هستند. ایران تحت حاکمیت نظام اسلامی با داشتن ذخایر فراوان نفت و گاز، چه به لحاظ ثروت و چه به لحاظ توسعه طلبی مذهبی قدرت حاکمه، بازار بسیار مناسبی برای کشورهای صادر کننده سلاح است. در این میان چین و بدرجه ای روسیه برای انحصار این بازار دندان تیز کرده اند. مقاومت و مخالفت در تصویب قطعنامه های پیشنهادی از سوی آمریکا علیه ایران از سوی چین و روسیه، گوشه ای از این رقابت جهانی و منطقه ای قدرتها و دولت‌های سرمایه داری برای فتح بازارها و گسترش حوزه ها نفوذ است. جنگ و رقابتی که هزینه و توان آنرا طبقه کارگر و مردم بی دفاع این کشورها میدهند.

جمهوری اسلامی تا این حد دلیل شده که رفع یک تحریم را یک "پیروزی بزرگ" می داند. نه جمهوری اسلامی صادر کننده سلاح است و نه کشورهائی خریدار اسلحه از ایران هستند. صادرات نظامی

جمهوری اسلامی برای گروههای تروریستی در منطقه است. واضح است که سیستم متکی بر دروغ جمهوری اسلامی که مورد تمسخر جامعه است، به خوبی میداند جامعه ملت‌هت و تحت فقر و سرکوب ایران آبستن یک انفجار و انقلاب اجتماعی است. این تبلیغات و جا و جنجال سبک، مصرف بسیج داخلی ناسیونالیستی حول حکومت و



انسجام نیروهای خودی دارد. لایه هائی که کماکان تامین منافعشان در گرو بقای حاکمیت جمهوری اسلامی است. اما جمهوری اسلامی همواره در صدد خرید تسلیحات نظامی، بخصوص در بخش موشکی مانند سیستم های دفاعی اس ۳۰۰ و ۴۰۰ و همچنین تجهیزات سرکوب خیابانی جهت مقابله با اعتراضات داخلی بوده است. سیاست تجهیز گروه های اسلامی و عمدتاً منتسب به شیعی در منطقه با هدف ایجاد جنگهای نیابتی در خدمت رقابتهای منطقه ای، گسترش تروریسم بعنوان یک اهرم فشار برای تضمین موقعیت و بقای خود همواره دنبال شده است. اکنون با رفع این تحریمها جمهوری اسلامی ساده تر میتواند رفت و آمد نیروهایش تحت عنوان "مستشاران نظامی" برای تسلیح و آموزش گروههای اسلامی در منطقه را تامین کند و براین اساس این را یک موفقیت و باعث خوشحالی می بیند.

حالا فرض کنیم که رفع تحریم تسلیحاتی باعث میشود جمهوری اسلامی بتواند به کشورهای مختلف تجهیزات نظامی و سلاح بفروشد. قراردادهای بزرگ امضا کند. چه نفعی به حال ما دارد، به حال ما کارگران، گرسنگان، حاشیه نشینان، کودکانی که بدلیل فقر و آرزوی یک تلفن خودکشی میکنند، به حال ما کارگران که ماهها حقوقهای موقع خود را دریافت نکرده ایم، این قراردادهای فرضی چه تأثیری بر معیشت و زندگی ما دارد؟ در جامعه ای که زباله گردی، فقر، بیکاری، اعتیاد و تن فروشی بیداد میکند، حکومت فقط با سلاح سرکوب و نمایش قدرت با گرداندن متهمان در خیابان عرض اندام میکند، خط فقر براساس آمار رسمی خود حکومت بالای ۱۰ میلیون تومان هست درحالی که درآمد متوسط مردم زیر ۲ میلیون تومان است، اعتصابات کارگری برای مقابله با این وضعیت وحشتناک برقرار است، رفع تحریم تسلیحاتی و هر قراردادی تأثیری بر معیشت و زندگی ما ندارد. تنها رفع جمهوری اسلامی است که راه را باز میکند و جامعه را به مرحله عالی تری می برد. بنظر درحال حاضر آگاهی سیاسی و درک تفاوت‌های طبقاتی در جامعه تا آن حد هست که به درستی بر این نکته واقف است که برای نیل به یک دنیای بهتر و یک جامعه آزاد و مرفه نباید چشم به قدرت های جهانی داشت. در پرتو همین آگاهی است که جامعه به پروژه های آلترناتیو سازی اپوزیسیون راست مانند رضا پهلوی و یا سایر گروههای ناسیونالیست نه میگوید و اقبالی میان مردم پیدا نمی کند.

واقعیت اینست که نظام سرمایه داری امروز در کلیت خود مسئول این شرایط دهشتناک در جهان است. این قدرت و این نظام باید نفی و با قدرتی برتر در خدمت منافع همگانی جایگزین شود. نفی سرمایه داری تنها در یک انقلاب اجتماعی سوسیالیستی پیروزمند ممکن است که بر قدرت شوراها و اعمال اراده و قدرت توده های کارگر و انسان آزاد متکی است. آلترناتیو دیگری برای رهائی از سرمایه داری وجود ندارد.

۲۲ اکتبر ۲۰۲۰

قتل ساموئل پتی، اسلام "عقلانی" اصلاح طلبان

سیاوش دانشور



نشان دادن چهره "رحمانی" اسلام قتل ساموئل را "محکوم" کردند. اما بلافاصله اقداماتی "برای کاهش و ریشه‌کنی این چهل مقدس" پیشنهاد کردند:

اول، دفاع از اسلام سازگار با "عقلانیت و مدارا" و دفاع از "آموزه های پیامبر رحمت" توسط نهادها و رهبران اسلامی و دوم، "پرهیز غیر مسلمانان از توهین به مقدسات دیگر ادیان" و محدود کردن داوطلبانه حق آزادی بیان توسط شهروندان برای ممانعت از عواقب آن! همینطور فرمودند که باید با "سکولاریسم ستیزه جو" مقابله شود. و نهایتاً با ژستی آخوندی اطلاعیه قتل ساموئل پتی را با تهدید به پایان می برند: "شایسته است شهروندان در استفاده از حق آزادی بیان خود داوطلبانه و توأم با مسئولیت شناسی مرتکب این خطای اخلاقی و پرورنده نفرت و رنج و خشونت نشوند!"

جنبش اسلامی جناح و فرقه زیاد دارد اما یک پدیده واحد واپسگرا و تروریستی و ضد جامعه است. این جناح بندی اختراع دولتهای غربی برای سازمان دادن جنگ با یکی و ائتلاف با دیگری بوده است. خود آن جنبش اهداف و ارکان واحد دارد و در کیس مشخص قتل ساموئل پتی نیز خود را نشان میدهد. جناح موسوم به "فاندمنتالیست" برای گسترش دامنه نفوذ و قدرت اسلام ترور میکند، بمبگذاری میکند و در خیابان با گلوله و کامیون مردم عادی را درو میکند. جناح موسوم به "اسلام مدارا و عقلانیت" نیز بعد از هر ترور و کشتار مردم بیگناه، از ضرورت گسترش "اسلام میانه رو" و "روایت عقلانی از اسلام" حرف میزند. اولی می کشد چون کسانی از حق آزادی بیان شان استفاده کردند و دومی میگوید اگر میخواهی کشته نشوی از آزادی بیان ات صرفنظر کن، "توهین به مقدسات ممنوع" جناح "اسلام مدارا" امکانات و پول میگیرد که مسجد و مدرسه مذهبی راه بیاندازد تا در آنها بساط لمپنیسم فرهنگی و اجتماعی پهن شود و سربازگیری برای برادران "فاندمنتالیست" ممکن شود. هدف هر دو یکی است، اصلاح طلبان و تازه مدنی های امروز خودشان یگروز پیشکسوت قمه زنی و پونز زنی و اعدامهای صحرائی بودند. هنوز هم افتخارات و مقام و منصب شان را به اعتبار این جنایات توضیح میدهند. خروجی سیاست هر دو اینست که نفوذ اسلام گسترش یابد، سکولاریسم محدود شود، قوانین شریعه برسمیت شناخته شود، آزادی بیان محدود شود، "مقدسات" و خطوط قرمز برای آزادی بیان باید داشت؛ یا با زبان خوش یا با زبان گلوله و کارد و بمب! انتخاب با شماست!

براستی مضحک است! کسانی حتی آنجا که دولت و مجلس را در اختیار داشتند، زورشان نرسید در مجلس اصلاح طلب تحت امر خامنه ای، یک لایحه مطبوعات تصویب کنند، جماعتی که پایان شان را سالهاست در خیابانها اعلام کردند، امروز میخواهد به فرانسه "اسلام مدارا" صادر کنند. جناحی میخواهد کاخ سفید را حسینیه کند و جناحی در سودای تبدیل پاریس به قم است!

در این میان، ساموئل پتی بی تقصیر است، او قربانی هر دو سیاست شد!

۲۲ اکتبر ۲۰۲۰

جمعه گذشته شانزدهم اکتبر، ساموئل پتی معلم تاریخ توسط یک جوان ۱۸ ساله به شکل فجیعی به قتل رسید. این جوان اسلامیت که رسانه ها از وی بعنوان "چینی تبار" نام برده اند، توسط گروه های اسلامی جذب و تخدیر شده بود. وی حاضر شد در واکنش به نشان دادن کاریکاتورهای محمد در مجله شارلی ابدو، توسط ساموئل پتی در کلاس درس آزادی بیان، وی را در خیابان در ملاء عام سربرید و فریاد "انتقام" از کسانی سر دهد که "توهین به مقدسات" می کنند!

اصلاح طلبان حکومتی و حاشیه حکومت با عنوان "فعالان مدنی و سیاسی" طی اطلاعیه ای با موضع شدیداً فرصت طلبانه و ارتجاعی، در کسوت هیئت مذاکره برسر نتایج قتل ساموئل پتی ظاهر شدند! یعنی همان پلاتفرمی که اسلاف "جمعیت شیخ یاسین" با کشتار نویسندگان و کارکنان مجله شارلی ابدو و قتل ساموئل پتی دنبال می کنند، "فعالان مدنی و سیاسی" اصلاح طلب با کمی بازی با کلمات بدست گرفتند. این دیگر برای همه روشن است که جنبش اسلامی با تهدید و ترور و ناامن کردن جوامع، سهمش را از قدرت سیاسی در سطوح مختلف مطالبه میکند. خواهان تغییر و تحمیل چهارچوبهائی جدید به دامنه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی از جمله آزادی بیان و آموزش و قوانین خانواده و غیره است. مضافاً سیاست گتویزه کردن زندگی مهاجرین و ایجاد جوامع و کامیونتی های موسوم به "جمعیت مسلمان"، همزمان میدان دادن دولتها به تشکیل مسجد و مرکز اسلامی و امامان جماعت و معرفی آنها با عنوان قلابی "نمایندگان مردم مسلمان"، محیط را برای تبلیغات اسلامی، ایجاد ترمهای اسلامی، اعمال خشونت به زنان و سربازگیری تروریسم اسلامی از میان جوانان بیکار مهیا کرده است. عمده تروریست ها در مکتب مدارس مذهبی و مساجد و جمعیتهای اسلامی پرورش می یابند. یک اقدام ثابت جریانات اسلامی اعمال فشار با اتکا به تهدید و ترور برای تحمیل خطوط قرمز به آزادی بیان تحت عنوان "مقابله با توهین به مقدسات" بوده است.

نکته دیگر اینست که علیرغم هر ترور و جنایت سازمانیافته باید از اسلام دفاع کرد. نباید بر دامن اسلام گردی بنشیند. اینجا نقش "عقلانی" اسلامی و "دگراندیش" مهم میشود که در رسانه ها ظاهر شوند و بگویند این اقدامات "علیه اسلام" است، اسلام "دین رحمت و دوستی" است و اینها فریب خوردگان "فاندمنتالیست" بودند! دولتهای اروپائی برای کنترل تروریسم اسلامی تاکنون "میانه روها" را در مقابل "فاندمنتالیست ها" تقویت کردند اما ماحصل سیاست شان تقویت تروریسم اسلامی از یکسو و تقویت راست افراطی ضد مهاجر و ضد مسلمان از سوی دیگر بوده است. این جناح بندی صورت گرفت تا با یکی جنگ راه انداخت و یا در خدمت سیاستی بکار برد و با دیگری رابطه برقرار کرد تا با کمک آن اولی را محدود کرد.

فعالان سیاسی اصلاح طلب همین سیاست را دنبال می کنند. برای

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد‌ها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیسست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!